



ارگان جمعیت فرهنگی و اجتماعی یهودیان ایران

دزدان آراء مردم سازش کاران و هوامریبان نمیتوانند جامعه مارا بفریقت و حقوق سیاسی مارا وسیله معاملات تجارتي و بندو بستهای خود قرار دهند

ذرحالیکه مردم بیدار جامعه یهود برای شرکت در انتخابات و بدست آوردن و دفاع از حقوق سیاسی از دست رفته خود آماده میگرددند. غاصبین حقوق اجتماعی مردم، سودجویان؛ دزدان رای کسانی که تاکنون نایبندگی یهودیان را مورد معامله و بند و بست و سوء استفاده قرار داده اند برای فحش مجدد کرسی نمایندگی جامعه ما دست بفعالیت زده اند. وکیل بی موکل دوره گذشته چند نفر پسادوان اعران و انصارش را در منزل خود گرد آورده و با همکاری آنان بر علیه حقوق سیاسی مردم ستم دیده، جوانان روشن بین کارگران و کارمندان، فرهنگیان، پیشه وران و بازرگانان هراتمند بتوطئه پرداخته است.

گویا در آن جلسه صحبت از فضائل و صفات نماینده تمیمی بیان آمده است همان فردی که در دوره گذشته برای تأمین منافع تجارتي خود، برای بدست آوردن ارز و منظور های سود طلبانه دیگر بفتح وکیل تمیمی، بفعالیت و تثبیت پرداخت و با هزاران تیرك و تزویر ویران از صندوق خارج ساخت دست نشانه خود را بدین سان ستوده است: «اگر آقای... در دوره گذشته کاری انجام نداد ضرری هم نرسانید». این است منطق کسانی که تاکنون سرتوشت مردم را با بازیچه هوی و هوس خود قرار داده اند. آن بیسواد

ایلیا ارنبورک

نور نبرك داور سی جنایتکاران جنگ

« پس از پایان جنگ دوم جهانی جنایتکاران و مسیبن جنگ را ملت های بیروز جهان در نور نبرك بعا که کشیده و بسزای اعمال ضد بشریشان رسانند. ارنبورک نویسنده بزرگ مشاهدات خود را در دادگاه نور نبرك شرح میدهد. مطالعه این اثر برای کسانی که هنوز به فجایع و شقاوت های فاشیست ها واقف نیستند خالی از فایده نخواهد بود. »

نویسنده ای که در پی عجایب گیتی است، در نور نبرك مطالب جالبی خواهد یافت.

من همراه روزنامه نگاران کشور های مختلف، مغربین و افسران امریکالی در کرانه هتل سکونت دارم. شب هنگام

برای رسیدگی بدرد های جامعه تشکیل جبرائی ملی و خادم مورد

اکثریت جامعه ما، مردم شریف و زحمتکش یهودی از دوست چوب میبورد هم از جانب فاشیسم و استعمار دشمن مملکت همواره مورد انواع اتهامات و فشار قرار میگیرد و هم از طرف طبقه ممتاز خود باید بی مهربی و شکنجه به بیند. حکومت های فاشیستی و غیردموکراتیک که میخواهند برای همیشه سلطه شوم و جابرانه خود را در سراسر جهان مستقر سازند با کمال بی رحمی بینه ساختن ضدای حق طلبانه ملل میپردازند. باروش ضد انسانی خود بین افراد جامعه ایجاد کینه و تفرقه نموده از اتحاد آنان که مسلما در صورت وقوع آن ریشه نفوذ استعمار خواهد سوخت جلوگیری بعمل می آورند. برای انحراف مردم از مبارزه با استعمار، مبارزه با ظلم و ستم حکومت های جبار، استعمار متوسل بتحریکات نژادی و مذهبی شده و با وضع با اصطلاح تئوریهای معزود و رنگ وارنگ مردم را بصد یکدیگر و میدارد تاریخ این نوع نزاعها و جنگها را که بغاطر حفظ موقیعت ضد انسانی حکومتها بوده است زیار به ثبت رسانده است جنگهای صلیبی یوگرومهای هسته جمعی یهودیان در اروپا در زبانهای مختلف، یهودی کشی نازیسم در آلمان و در این اواخر جنگ بین اعراب و یهود ناهی از همین روش سود جویان بین المللی است از یکطرف این

درخواست مردم است

زجر و شکنجه و فشارها را یهودیان ستمکش باید تحمل نمایند از طرف دیگر باید کجاده بی عدالتی ها و جور و ستم طبقه ممتاز جامعه یهودیان را بدوش بکشند. این آقایان زبده و عالیقدر که در همه حال ادعای رهبری جامعه را دارند و بزور میخوانند بسردم بقبولاند که بدون وجود شریف آنان تار و پود اجتماع از هم گسیخته خواهد شد، در جریانات اجتماعی و قفه حاصل شده و راحتی و آسایش مردم بالکل سلب خواهد گردید، و آنوقت باید چراغ بدست در روز روشن بدنیال وجود وجود وی هتای آنان به جستجو پرداخت !! امروز می بینم همه

از: یوسف نیا
او بتو رای خود نخواهد داد
بقیه در صفحه ۳

(اخبار انتخابات)

یهودیان

چون اخبار مربوط به انتخابات یهودیان مورد علاقه عموم برادران ما میباشد مغیر «بنی آدم» در نظر دارد خلاصه ای از جریان کلیه جلسات انتخاباتی مربوط به هر دسته را برای روشن شدن افکار عمومی در روزنامه درج کند. اینک شرح خلاصه ای از جریان جلسه مشورتی انتخاباتی که روز شنبه ۲۸ دیماه در کنیسی حبییم تشکیل شده است در زیر بنظر خوانندگان عزیز میرسد:

ساعت ۵ ربه از ظهر جلسه با شرکت عدده زیادی از اطباء، مهندسان، معلمین، بازرگانان کارمندان، پیشه وران دانشجویان و سمیت یافت. ابتدا آقای یوسف یاشارتسل جلسه را افتتاح نموده گفتند:

«ما برای آن امشب بدور هم جمع شده ایم که نگذاریم حقوق انتخاباتی ما بوسیله مفتی سود پرست و استفاده جو و شاید بامال شود.

در طی گذشت نیم قرن مشروطیت تا بحال یهودیان دارای يك نماینده حقیقی که بوسیله مردم انتخاب و پشتیبانی شود نبوده اند.

بایستی به همت روشنفکران و جوانان یهودی از این پس جلو سوء استفاده شهادان و استفاده جویان سد شود»

در پایان ناطق اضافه کرد که: «ما امشب بایستی تصمیم بگیریم که بر خلاف دوره های گذشته با فعالیت و کوشش زیادی در انتخابات دوره هفدهم مجلس شورای ملی شرکت کنیم و هرگونه تثبیت دزدان رای و خائنین را خنثی سازیم و نگذاریم حقوق حقه ما از داشتن يك نماینده صالح و باشهامت و فداکار و مطلع بامور سیاسی بامال شود»

پس از بیانات آقای یاشارتسل آقای دکتر فرج اله بیبا رفته سخن را بدست گرفته و باین بیان رساو گیرنده ای وضع اسف آور اجتماع ما را برای حضار مجسم نموده گفتند: «خیلی از بدی ها و ناملاهیات اجتماعی ما معلول نداشتن يك نماینده حقیقی و دلسوز بحال مردم است.

محتولیت وضع وخیم امروزی بگردن نماینده تمیمی تالایی است که بناحق خود را وکیل ما شمرده و حقوق اساسی ما را در معرض خرید فروش قرار میدهد»

سپس ناطق بامنطق کوبنده خویش این قبیل نمایندگان ادعائی را بدست محکوم نموده و بر نامه يك کاندید ملی را بقیه در صفحه ۳

نامه جمعیت فرهنگی و اجتماعی یهودیان ایران بفرماندار تهران

جناب آقای فرماندار تهران! محترما برض عالی میرساند همانطوریکه خاطر مبارک مستعبر است، برای تشکیل انجمن نظارت انتخابات طبق موازین قانونی بایستی از متصدین محل دعوت بعمل آید.

نظربایشکه «جمعیت فرهنگی و اجتماعی یهودیان ایران» مورد اعتماد اکثریت افراد جامعه یهود بوده وعده زیادی از افراد یهودی عضویت آنرا قبول نموده اند.

خواهشمند است دستور فرمائید در هنگام دعوت متصدین محلی برای تشکیل انجمن نظارت نظریات این جمعیت را دربارۀ مدعوین مورد توجه قرار دهند.

با تقدیم احترامات

رئیس جمعیت فرهنگی و اجتماعی یهودیان ایران حکیم

بقیه از شماره پیش حنا سنش دوشیز لا چتر باز

یهودی، فرمان مبارزه با ناز بسم

سرگردان و بلا تکلیف، با قشون میهن پرستان به دهات نزدیک سرحد پناهنده شدیم در حقیقت هر آن به منطقه دشمن نزدیک تر می شدیم. بارانی از گلوله از هر طرف ردوبدل میشد قشون میهن پرستان عقب نشینی میکرد.

افراد مضطرب و مرعوب اسلحه خود را بزمین انداخته و با برگریز میبنداند، مایکه و تنها و بلاد فاع، از طرف قشون دشمن محاصره شدیم.

اما باعجله از کوه سرازیر شدیم و تا آخرین نفس خود پایبند گزارده، تا اینکه با میهن پرستان که عقب نشینی می نمودند ملحق شدیم.

در بار، این جمعیت رنگارنگ، کوکتیل می نوشد و دختران جوان و نیه لغت با لحن کاملاً آلمانی تصنیف های انگلیسی میخوانند، در حالی که انواع «آریا ها» برقصهای سیاهان میبازند.

همانخانه دارای لای های شکوهمست اما سقفش فروریخته و انباشته از ویرانی است و برای بالا رفتن از آن باید ا کروبات بود.

نور نبرك دیگر وجود ندارد: تراموای ازمیان خرابه ها میگذرد و در نمازهای نادر «دفترچه های یادبود» می فروشند اهالی اینطور وانمود میکنند که اعتنائی بجریان دادرسی ندارند معصدا داهستان بملت آنکه نور نبرك يك زمان آشیانه فاشیست ها بوده، نخواسته است حمایت شهود را بیده بگیرد. بقیه در صفحه ۳

نورنبرگ

بقیه از صفحه ۱

تالار دادگاه خوب گرم شده است ، برعکس ، راهروهای تمام نشدن آن ، سردی بخینه انهارا بنیاد میآورد و بز از فروریختگی ها و ویرانیها است .

من نیدانم بچه جهت هیتلریها نورنبرگ را دوست میداشتند ، در همین شهر بود که آنها ، کنگره های خویش را بزیا میگردند و از خود کارهایی که سلاح خودکار مجهز بودند و میبایست مدتی بعد اروپا را لگد کوب کنند ، سان میدیدند ؛ بعضی عقیده دارند که فاشیستها بخاطر هلاک قرون وسطی این شهر را انتخاب میکردند ، زیرا میخواستند ، بدینوسیله ، فعالیت های خویش را با گذشته آلمان پیوند دهند .

بعضی دیگر میگویند نورنبرگ شهر راحتی بود با مهمانخانه های مجلل و فراوان .

معبدا ممکن است چیز دیگری توجه فاشیست ها را جلب کرده باشد ، آن زمان در نورنبرگ نمایشگاهی از افزار شکنجه قرون وسطی وجود داشت . و سابق بر آن ، دژخیمان نورنبرگ شهرت جهانی داشتند . اشعاری بیاد میآید .

و من از نخستین سالهای جوانیم ، از دانشهای دشوار رو برتافتیم . و از یک راه ناشناس به نورنبرگ رسیدم .

که میدانم ، که پیشه جلادی چقدر ملالت انگیز است .

شاید هم بهتر بود ، که هیچگاه این تبر سنگین را بدست نیکبرفتم .

ملل متحد ، با انتخاب شهر نورنبرگ ، یعنی با انتخاب قطعه ای که سابقاً نورنبرگ خوانده میشد ، خواستند جنایتکاران را در همان محلی که جنین جنایتشان جان گرفته است دادرسی نمایند .

چند سال پیش هیتلر اعلام هاشت : « من بعد تنها آلمان سلاح بکف خواهد داشت » .

مقابل دادگاه ، سربازان روسی پاس میدهند و اما « نژاد برتر » چه میکند ؛ درخوابه های نورنبرگ برای مهمانان قهوه میآورد ، کفش ها را اوکس میزند و دیوار های دادگاه را سفید میکند (اینکار از سفید کردن وجدان خود در پیشگاه ملتها سهلترست)

یکی از بازیگران دادرسی ، ردلف هس ، « جانشین » پیشوای هیتلر است که خود را بیگناه جلوه دهد . او برای این منظور از « بیماری برتری » دست کشید (خیلی در بر شده بود) و البته را نیز نیتنید و زبرا مسخره مینمود (بلکه بدیوانگی که گویا يك بیماری روز باشد توسل جست هنگامی که فیلم « سان نورنبرگ » را جلو هس نمایش دادند ، جانشین پیشوا خود را جا نیآورد . هس اولین بار از خبر مصیبتی که در استالینگراد دامنگیر قشون آلمان شده بود حافظه خود را باخت تا زمانی که آلمانی ها پیروز بودند هس هم عناوین خود را بیاد داشت و هم صورت در آمدهایش را اما هیتلر فاشیست ها ، بالای دست خود را ، یافتنند ، هس بخاطر آوردن که میباید از یاد برد . سپس از « بیماری » بازی هم خسته شد و « مداوا » یافت .

سرانجام وقتی که ارتش سرخ وارد برلن گردید ، « بیماری » او نیز « عود » نمود . اما در این فراموشکاری تنها نماند ، رین تروپ ادعا کرد که آنقدر حیوه (پر مور) خورده که با لکل حافظه اش را از دست داده است .

هس که ادعای وین تروپ را شنید خودداری نتوانست کرد و خنده اش را ترکانه مالدش او را بخنده آورده بود .

فاشیسم منکوب نیز خود را بجنون

زده است . اگر از جنایتکار کلاسیکی که آتش به خانه های بیلوروسی زد و کودکان را در چاه انداخته بیرسند بچه کاری اشتغال داشته است ، مختصراً بشما جواب میدهم .

« سبب زمینی میباشم » . یک کارخانه جنگی ، که تصادفاً از ویرانی رسته است ، اکنون جمعه سیگار هاسی میسازد که روی آن نوشته شده « یادگار دادگاه نورنبرگ » و هر جمعه را بدو مارک میفروشند . بدون شک مدیر کارخانه هم بیاد ندارد که زمانی تا نك میساخته است .

فاشیستها ردلف هس را « وجدان حزب نازی » میخواندند انگار این بیوجدان ها نیز میتوانستند صاحب وجدان باشند ؛ هس در نخستین روزهای داورى داستانهای پلیسی میخواند . شاید امید داشت که با قرائت تاریخ آدمکشها ، جنایات خویش را از یاد ببرد .

قطعا بدین پرچم کشور شوروی در کنار پرچم بریتانیای کبیر ، آتش را بیاد میآورد که بهنگ انگلستان پیاده شد . او آژمان در آرزوی نوشیدن ویسکی و خوردن خاویار هشرخان بود ... بجای آن ، او را بدادگاه نورنبرگ خواندند . آنگاه « شاهزاده بدبخت » با کمال میل لقب « ردلف دیوانه » را پذیرفت .

مدتها معروفترین روانشناسان جهان تلاش کردند که بدانند آیا میتوان او را مجرم دانست یا نه .

ضربات نفیض موضوع کتابهای قطوری کشت . بعد خود هس از دیوانه بازی خسته شد و اعلام داشت که ادا در میآورد است . هس میگفت که همه چیز را از یاد برده ، اما همه چیز را بیاد داشت .

در جهان اشخاصی را میتوان یافت که میگفتند همه چیز را بیاد خواهند داشت ، و همه چیز را از یاد بردند . مفهوم دادرسی نورنبرگ را نیز باید در حافظه ها جست . در پیشگاه بشریت داستان وحشتناک پستی ها ، دخلکابها و شقاوتها گسترده شده است . شهیدان ، ملیونها شهید میگویند .

« مسا بدست آنها کشته شدیم » نوزادگان و بچه های که هنوز دنیا نیامده اند فریاد میکشند ما را حمایت کنید !

در بعضی دادرسی ها ، ابهام دعوا ، هم چشمی طرفین ، دستدل نبودن شواهد و شخصیت متهمین موجب کنجکاری وقت تماشاچیان میگردد بشریت خیلی بیش از ادعای نامه نورنبرگ ، فاشیسم را محسوس کرده است .

دادگاه نورنبرگ بخاطر آن تشکیل شد که ملتها بشکوب ساختن و ریشه کن کردن فاشیسم هم قسم شده بودند درین ادرسی انتزیک و بزنگاه وجود ندارد . ما کتابی را میخوانیم که تمام معنوی آن تا پایانش بر ما روشن است . و این کتاب با خون نرزدی - کسان ما نوشته شده است . آیا شخصیت متهمین جالب توجه است ؛ خیر . در مقابل ما تبهکاران بینوائی نشسته اند که به جنایات عظیمی دست زده اند . هر يك از آنها ، آنقدر بلحاظ اندیشه و روح هیچ و مبتدل هستند که آدمی از خود میپرسد . آیا ممکن است که این افراد فاسد توانسته باشند اروپا را بیک تکه ویرانه تبدیل کنند و ملیونها نفر انسان را قتل عام نمایند ؟ باید جواب گفت : بلی برای ساختن و آفریدن نبوغ لازمست نه برای ویران کردن .

داعیه تپی مغز بود و علاوه هر شخص ناچیزی هم ممکن بودا کروپلیس را آتش بزند .

کسانی را که در نورنبرگ به دادرسی کشیده اند ، نه روحا و نه اخلاقا بعد ها هزاره نوع خویش رجهایی ندارند ؛ و از فاشیست های معمولی نیز ، مساوتی شدیدتر شقاوت بی پایان واراده ناگوارگی که برای بد کردن و بدی رساندنست ، میز آنها است .

من نمیگویم که متهمین متوحش بنظر میرسند . وضع ادعای آنها را تسکین مینماید . زیرا آنها « بداد گاهایی » خو گرفته اند که بجای داورس دژخیم حکم میدهند .

مردم مسکینی هستند . برای آخرین بار پر تو چراغهای عکاسی بصورتشان میافتد و با آنکه میدانند چه چیزی انتظارشان را میکشد ، معبدا ، يك لحظه می بندارند که وزیر سردار و رئیس و سیاستمداران هنگامیکه داستان ملاقات سفیر اتانزونی را با زمامداران آلمانی در برلن میخواندند ، گورینک سرش را تکان میداد و لبخند میزد ...

گذشته اش را بیاد میآورد . صبح هسا ، وقت کشایش دادرسی ، متهمین با هیجان گفتگو میکنند : گورینک سعی میوزد دو تنز را بخنداند ، روزنبرک با فرانک مشورت میکند ، باین مشغول آموختن باله درفرن شیراخ است . آنها هنوز میتوانند تصور کنند که واقعه ای روی نداده است . بلکه مطابق معمول در اطراف انتظار پیشوا کرده ام آمده اند تا تصمیم بگیرند که کدام کشور را باید لگد کوب نمود .

سپس ترس سر تا پایشان را فرسا میگیرد زیرا از این جلسه مشورتی نه مدال و نشان بلکه ((چوبه های دار)) بیرون خواهد آمد .

رین تروپ بیست سال پیر شده است اشتریغربا هسیناوت سرش را میخارد و چانه روزنبرک آویخته است . آنها ، در يك تب دائمی میسوزند . هر آن از يك امید بنداری به ترس حیوانی میگرایند . هیچ يك از آنها در فکر ملت آلمان نیست يك واقعت خشنی بوجود آمده است که متبند هیچ لقب و عنوان مطنطنی قادر به پوشاندن آن نمیتواند ؛ در پیش روی ما راهزنانی نشسته اند که بیست سال تمام بنام سیاستمدار برلمتی فرمان رانده هر يك از آنان مانند « فریتز » بینوائی که اسیر شده باشد ، بتلا میکنند همه کسها مان خود را بنگردن پیشوا بیندازد .

کایتل فرمانده کل ، از خدا میخواهد مردم بیدارند که او سرباز ساده ای بیش نبوده است ؛ او ، گویا ، تنها فرمانبرداری کرده است .

رین تروپ ، سوگند یاد میکند که هیتلر بقایه سیاستمداران خودوقتی نمیتواند است .

وکلاي مدافع سرداران ، گناه را متوجه « اس آ » میدانند و مدافعین اس آ قسم میخورند که دستجات اخیر چون گوسفندی در اختیار اس اس ها بوده اند .

یکی از متهمین بنام سیس - انکار ، سابقا وکیل بود ، ولی قطعا هنگامیکه گروگان های هلندی را شکنجه میداد کتر از همه بقوانین روم میانددیشید و اکنون که با داورسان مودبی روبرو شده ناگهان قوانین جزائی را بیاد میآورد . هنگامی که نامه ای مربوط به اعمال یکی از متهمین در دادگاه خوانده شد ، وکیلش برخاست و گفت : اگر موکلیم میدانست که این نامه را در يك محضر عمومی خواهند خواند هیچگاه دست به نوشتن آن نمیزد ؛ و هنگامیکه یکی از شهود ، دستور کایتل را راجع بکشتن ژنرال و یگان فاش نمود ، کایتل گفت :

« هیچگاه چنین دستوری کتبا داده نشده است . »

دادگاه مسائل فراوانی روشن میکند مثلا ما میفهمیم که گورینک پس از ویران ساختن ولگدمال کردن اروپا برای خریدن يك سرویس چایخوری چانه بازاری میکرده است .

بزرگترین جنایتها با بست ترین مبتذلات آمیخته شده اند . خبرنگاران که از ابلی متهمین يشگفتی افتاده اند با بی اعتنائی تبادل نظر میکنند .

گورینک بتقد نویسا لبخند میزند . اشتریغربان قندی میخورد . فن باین مواظلبیاسش است ... ژنرال دستگاه ضد جاسوسی

برای رسیدگی

بقیه از صفحه ۲

کارها قبضه این عده اقلیت حاکم بر جامعه شده است . هیچ کاری که کترین ودی به مال مردم داشته باشد از پیش برده نمیشود تازه اگر خود مردم دست باقدا مانی بزنند تو کوشش کنند که خود را از این وضع ناهنجار برهانند و یا اقلادردی اذرددهای خود را درمان نمایند باید با کار هکنی و اخلاخ عزیزان بی جهت روبرو شوند .

نه این مدعیان اصلاح جامعه کار مفیدی انجام میدهند و نه میگذرانند مردم بیخیزند و امور خود را باید بدست گیرند هم اکنون جامعه ما با هزاران مشکل دست بگریبانست ؛ کیست از اولیاء امور ما که ذره ای باین مشکلات بیند ؛ و در رفع آن اقدام نماید .

صدها نفر از برادران زحمتکش ، پیشه ور و دستفروش شهرستانی در انزلیک سلسله تبلیغات خاص فریفته شده و بغیال رسیدن بسراب خوشبختی از کانون های نسبتا راحت خود دست برداشته بشهران رو آورده اند .

اینان هم اکنون بایدترین وجهی به زندگی برملاست و وقت بارخوه پرداخته بانتظار رسیدن روز موهود سعادت بار که هرگز نخواهد رسید .

روز شماری میکنند این مردمان آواره که گناهی جز اینکه زحمتکش و شریف اند ندارند در این سر زمستان نه ماوائی دارند که سکونت گزینند و نه قطعه نانی که شکم گرسنه اطفال معصوم خود را پر نمایند .

هر قدر هم که صدادر میدهند فریاد رسی نیست که بدرد آنها برسد . مادر شماره های گذشته این روزنامه شرح زندگی دلغراش برادران و خواهران آواره را بتفرخ خوانندگان خود رسانده ایم و ایشان میتوانند بخوبی قضاوت کنند که آنان با چه معدت هم فزائی دست بگریبانند ، در این سرمای زمستان اغلب حتی بالا پوش ندارند که خود را از گزند سرما حفظ نمایند .

مسئول اینهمه بیچارگی و فقر و سرگردانی کیست ؛ آیا جبرا نه برای اینست که باین قبیل گرفتاریهای جامعه رسیدگی نماید ؟

وضع زندگی سایر برادران تهرانی ما بهتر از آوارگان مزبوتیست . هنوز عده کثیری از یهودیان ساکن در محله دروازه های بیتوته میکنند که در

آلمانی ، لاهوژن ؛ که ج - زو شهود در دادگاه حاضر شده است اظهار کرد که کایتل دستور قتل اسیران شوروی و چترسربازان انگلیسی را صادر کرده بود .

خیال نکنید که این ژنرال آلمانی بخاطر افراد شوروی با انگلیسی دلسوزی میکرده است . خیر ، او در ضمن شهادتنامه خود در دادگاه اقرار کرد که سازمان ضد جاسوسی آلمانی مخصوصا در زنده بدبخت آوردن سربازان ما اصرار میورزیده . باین دلیل است که سراسر کیتی بانوجه فراوان به آنچه که در تالار دادگاه نورنبرک میگردد ؛ گوش فرا داده . روی نیمکت متهمین رهزنان ساده نشسته اند ، آن جا فاشیسم جای گرفته است ؛ با غریزه های سیمانه خود ، با شقاوت ، اجوبگی مزور و بوجی خود . و اگر از اکتاف جم - مان

نبایدگان و افرادی باین شهرویران سفر کرده اند ، نه تنها برای تنبیه جنایتکاران ، بلکه برای نشان دادن و گستردن ماجرا های دهشتناکی میباشد که سالها بر خاک های اروپا حکومت میکرده و برای آنکه کودکان نوزاد را از میکربها و مصیبت های نازیسم برهانند و هجره واقعی عاملین نژاد برتر را بدینا بشناسانند . و من در حالیکه ویرانی ها را نگاه میکنم بشهر آینده میاندیشم . نقاب وزدان اطفال و کشتن کان نوباوگان را میبینم و کهواره ها را بیاد می آورم .

بقیه دارد

بنی آدم

هر حجر اجداد ما زندگی میکردند . اصولا هداشت و فیرهنك در این نقطه از مرکز شهر مفهوم خارجی ندارد در صورتیکه تقریباً تمام کوچه پس کوچه های اطراف تهران اسفالت شده است محله هنوز بصورت مغروبه ای باقی مانده است مردم این ناحیه چه در زمستان از سرما و گل ولای و چه در تابستان سوزان از گرما و کرد و خاک در عذاب و زحمتند همین وضو محله خود حامل بروز امراض گوناگون است کچلی - تراخم و روماتیسم و سل از امراض بسیار رایج بین این مردم معروف میباشد .

یهودیان متمشک علاوه بر اینکه بسا سختی و مرارت باید ندان بخور و نیر خود و زن و فرزندان خویش را فراهم نمایند همواره بامرک هم دست بگریبان میباشد . خوانندگان باید سری بمحله بزنند تا زندگی توام با فقر و پریشانی موجودات زنده ، برادران هم کیش خود را آنچنان که میباشد بعیان به بینند تا بهترین بجایات مسبب این همه بدبختی بیرند .

در جامعه ما مسئول این همه تیره روزی برادران ما کیست ؟ کیست که باید بحال این عده کثیر اجتماع توجهی نموده و قدمی در رفع آن بردارد ؟

نه اینستکه از دولت گذشته وظیفه انجمن کلیبیان است که در رفع خرابیهای اجتماع ما بکوشد .

آیا جبرای موجوده یا بهتر بگوئیم دکتر برال گرداننده آن کوچکترین توجهی باین بی سر و سامانی ها نموده و ذره ای از مشکلات بیگران جامعه را مرتفع ساخته است ؟

اقدامات مفید مصلحین جامعه نیز در این زمینه با اخلاخ جبرا و طبقه متساره اثر مثبت خود را از دست می دهد .

اکثریت جامعه علاوه بر تحمل مالیات های کمر شکن دولتی مالیات های دیگری بتناوین مختلف می بردازند تا شاید از اینراه اقلا بهبودی مختصری در وضع فلاکت بار جامعه ، در فرهنگ فرزندان خو و بهبودیادست همومی فراهم سازد مثلا مبلغ سه ریال از هر کیلو گوشت اضافی از مردم دریافت میکنند تا کسری بودجا مدارس تامین گردد . ولی آیا این مالیات زیاد را که از عرق جبین و کدین زحمتکش تمامی افراد این جامعه وصول میشود بصرف واقعی خود می رسد ؟

جواب این سوال را از شکایت هس قصاب که خود حامل وصول این مالیات است بشنوید و به بینید شرم و حیای این ناز پرورده ها که اخود را بجامعه بزور پول و شارلاتانی تحمیل کرده اند تا چه حد است که مغالاج عیش و نوش خود را در کباب های پادیس ولندن اذ دسترنج مردم محروم تامین می کنند .

ببوه زنان یهودی باید از قشون لایموت روزانه خود بزنند و مالیاتان بپردازند تا اولیاء امور مسا بتوانند بزندگی پر تنم خود بپردازند یکی در باردانسینکهای یشکه دنیا از اموال غارت شده متلفذ کرده و دیگری در اروپا از عنوان غصبی نمایندگی مجلس شورا بتجارت مشغول باشد .

این شکایت نامه قصابان یهودی که خود از زحمتکشان جامعه ما میباشدند زنده ایست از سوء استفاده های جبرا و اولیاء امور این سند نشان دهنده لایقید و بی اعتنائی مسئولین امور جامعه ما میباشد .

این سند محکوم کننده حاکی است که سالها به نزدیک ششصد هزار تومان بابت مالیات بر گوشت از اکثریت جامعه ماخذ می گردد ر باین جبرای دکتر برال پرداخت می شود تا مخارج روزمره مدارس یهودی سوخت زمستان و حقوق معلمین فراشان مدرسه تامین گردد .

این مبلغ هنگفت باید صرف تعلیم و تربیت اطفال معصوم برادران ما گردد

بقیه در صفحه

حناسنش

بقیه از صفحه ۱
مسانی ما برای راضی کردن حنا در موضوع تعویق ماموریتش، عقیم وی نتیجه ماند او همانطور تصمیم و اراده خود پابرجا و ثابت بود. برای بدتره حنا تماماً از خانه خارج شدیم. چون کسی نییاست از نقشه و منظور ما اطلاع حاصل کند، لازم بود که از راه های پراخه و نامعلوم پیش رویم. فقط در وسط ده مراسم آخرین وداع و خدا حافظی خود را در حالی که دستهای ما را میفشرد و با عبارت «در آتیه نزدیکی در زمین دشمن همدیگر را ملاقات کنیم»، از رفا جدا شده، و با حرکت دستهایش خدا حافظی قلبی خود را ادا نمود.

ولی متأسفانه نیندایم که این آخرین ملاقات دیداری است که از حنا مینمایم.

اینک شرح دستگیری و تیرباران حنا را از زبان یکی دیگر از همراهان او بخوانید

بعد از چند ماه سرگردانی در کشور مپن پرستان در یکی از جنگلهای یوگسلاوی باهم ملاقات نمودیم.

کردش اوضاع تغییرات فاحشی در روحیه و برنامه ما داده بود.

در خلال این مدت هنگری بتصرف نازیها در آمد. سر و شوشم یک میلیون یهودیان مجارستان، که بزرگترین جمعیت یهودی اروپا را تشکیل میداد، با ما معلوم بود - میدانستیم که از عقب جبهه بسیاری یهودیان منتظر آمدن نجات دهنده ای بودند و ما وظیفه دار بودیم که وسیله نجات آن‌ها را فراهم آوریم اما متأسفانه دسترس و امکان کسک نبود.

دو روز و دو شب پیاده، بدون خوراک و راحتی در باران و با اطلاق تیراها میبودیم در این موقع در جبهه مشترک با میهن - پرستان برضد نازیها میجنگیدیم، و در نظر میهن پرستان ما بعنوان افسران انگلیسی قلمداد شده بودیم.

فردای آنروز هنگام عزیمت، بین خودمان ترتیبات حرکت را از راههای مختلف دادیم بطوری که نه فقط یک راه، بلکه راههای متعددی برای فرار و نجات ما باقی باشد.

معلوم بود که این جدائی نهائی، سر و شوشم هر یک را تعیین میکرد ولی هر چه هم اتفاق افتد، تصمیم ما در رفتن قطعی بود نه فقط میدانستیم. بلکه کاملاً احساس میکردیم که به ورای سرحد یوگسلاوی موقعیت یهودیان روز بروز بدتر میشود.

در این موقع موقعیت واقعی و حقیقی ما نامعلوم بود قرار بود که بعد از نماز روز شنبه ما دونفر در کنیسیای بزرگ بوداپست همدیگر را ملاقات کنیم.

اما بعلتی موقت نشدیم و قرار گذاشتیم که فردای آنروز بعد از اتمام نماز در همان کنیسیا حضور بهم رسانیم.

ولی افسوس که انتظار من برای ملاقات حنا در کنیسیا، بی نتیجه ماند، زیرا همای روز توسط مامورین نازی دستگیر و بزندان فرستاده شد.

هنگامی که منوم و با روح شکسته و جسم دردناک، در گوشه زندان نشسته بودم، نقطه فکر بکربانعت خوشوقتی من شده بود و آن این بود که با خود میگفتم خوشا بسادگ حنا که با من گرفتار نقد و هریک سر و شوشم من نگردد.

آیا اگر این مصیبت بسر او وارد میشد، طاقت و توانائی تحمل آن را داشت؟

با خود میگفتم که حنا غیاب و دیر آمدن حنا در جلسه علفی داهته است و حتی این هم حضور، هین صلاح او بوده است. زیرا با این فرصت او بیشتر از من موفق خواهد گردید و بنابراین من مورد سرزنش اقوام واقع نخواهم شد.

برای رسیدگی

بقیه از صفحه ۲
صرف خرید کاد بلاک و زندگی او کس آقایان -

اصولاً حساب و جوه بکجا داده میشود مسئول واقعی چه کسی است و چه مقامی باید باشد. هم اکنون چندین ماهست که حقوق چندر غازی معینین مدارس یهودی پرداخت نشده و ایشان باید با هزاران افکار متشوش که بحال زن و فرزند گرسنه خود در اندر زندان ما را تعلیم دهند بتوجیب اطلاعات موتقی که بدست آورده ایم مبلغ زیادی از جوه دریافت شده بوسیله حبرا و سایر مقامات حیف و میل میگرد و جز مبلغ مختصری صرف امور خیریه و مدارس موجود نمی شود.

اگر وضع بهین منوال بگذرد و این زالوهای اجتماع خود را بسازم تحمل نمایند غیر ممکن است بتوان دست باصلاحات زد - فرهنگ و بهداشت را تمیم داد بحال معرومین اجتماع و با آوارگان یهودی رسیدگی نمود و بی سرو سامانیها را خاتمه داد.

باید حیرانی تشکیل داد دلسوز - بی نظر و غرض - باید کسانیرا بعبرا فرستاد که واقعا بخواهند خدمتی بر مردم بکنند - هم اکنون خیر اندیشان و مصلحین بسیاریند که همه چیز خود را در خدمت به خلق محروم یهودی صرف نمایند - فدکاری کنند تا جامه ما به حقوق حقه خود دست یابد

جمعیت فرهنگی و اجتماعی یهودیان ایران در این امر حیاتی پیشقدم میشود و از هموم یهودیان شرافتمند و خیر اندیشی طلب می کند که برای دگرگون ساختن و منسح بلبشوی اجتماع ما خارج از نفوذ سودجویان و شارلاتانهای تمامه برای تشکیل حبرا مجدانه اقدام نمایند تنها حبرای مورد اعتماد مردم است که میتواند قدمهای مثبتی برداشته و مشکلات موجود را برطرف سازد چنین حبرای منتخب مردم است که می تواند با تشکیل صندوق ملی که مورد تقاضای عموم یهودیان است کنترل دقیقی بر روی درآمدها و مخارج بعمل آورد و از حیف و میل جوه دریافتی از یهودیان جلوگیری نماید.

مامطمنینم مردم شرافتمند با نیروی متحد خود میتواند خواستههای خود را عملی سازند و به مردمیت خود خاتمه دهند

یکی از نگهبانان بعیسی وارد شد و هنگامی که افسردگی و قطرات اشک مرا ملاحظه کرد دلش بر حال من بسوخت و شروع بتسلیم دادن نموده گفت، که تمام این وقایع بزودی سپری خواهد شد و البته مرا برای همیشه عذاب نخواهند داد ضمناً بن اطلاع داد که بعد از چند روز دیگر مرا بزندان انفرادی خواهند برد و کسی دیگر بکربانعت ذیت من نخواهد شد در جواب گفتم که من میدانم و اطمینان دارم که بعد از چند روز مرا بدار خواهند آویخت اما او بیوسته مراتسلیت داده و میگفت که معمول نیست کسی را باین زودی بدار آویزند.

مثلاً چند روز قبل دوشیزای اذازس اسرائیل را فقط به پنج سال حس محکوم نمودند.

بشنیدن این کلمات اضطراب و وحشت غیر قابل وصفی بر من مستولی شد و یقین حاصل نمودم که آن دوشیزه فقط باید حنا باشد.

در این موقع در دریای غم فرو رفته و افسوس میخوردم که کلیه تدابیر و نقشه های ما برهم زده شده، زیرا من و حنا توقیف و بازداشت شده بودیم و معلوم نبود که آیا « برس » رفیق ما هم شریک سر و شوشم ماست یا نه، و آیا میتواند از چنگال دشمنان رهایی حاصل کند؟

زیرا اگر احیاناً موفق بفرار شود امکان عبور از سرحد نیست چونکه نگهبانان نازی پیوسته فاظر و مراقب این اعمال میباشند.

بقیه دارد

وارپته با شکوه

دو روز شنبه دوازدهم بهمن ماه ۱۳۳۰ در سالن سابق کلوب سینا

بنسج آوارگان یهودی و جمعیت فرهنگی و اجتماعی یهودیان ایران شامل:

- ۱- آوازهای دسته جمعی (توسط دسته کر)
- ۲- سه پرده نمایش
- ۳- آوازهای محلی
- ۴- رقص های دسته جمعی

۵- دکلاماسیون

برای کسک بوضع رفت بار آوارگان، از هموم خواهران و برادران اسرائیل خود تقاضا داریم که در این وارپته شرکت کنند. دعوتنامه را از دفتر جمعیت فرهنگی و اجتماعی یهودیان ایران واقع در چهار راه مخبرالدوله جنب قرائتخانه شیروانی تهیه فرمائید.

چهار میلیون و پانصد هزار ریال جایزه پس انداز

صندوق پس انداز ملی ۴۵۰۰۰۰۰ ریال جایزه برای تقسیم بین کسانی که تا پایان سال جاری (۱۳۳۰) در شعبه ما نمایندگیها یا باجه های بانک ملی ایران حساب پس انداز داشته باشند در نظر گرفته که بطور فرعه بشرح زیر تقسیم نماید:

یک جایزه ۲۰۰,۰۰۰ ریالی یک جایزه ۲۵۰,۰۰۰ ریالی

پنج « ۱۰۰,۰۰۰ » ده « ۵۰,۰۰۰ »

و چندین هزار جایزه ده هزار ریالی و یک هزار ریالی و یکصد ریالی

چنانچه مالیدن سادات خود و خانواده خود را تا پایان و از مزایای داشتن پس انداز بهره مند گردید و تاکنون حساب پس انداز برای خود و فرزندان بازنشسته شده اند قبل از پایان سال برای باز کردن حساب پس انداز در تهران بصندوق پس انداز ملی یا باجه های شهری و در شهرستانها به شعبه ها یا نمایندگیها یا باجه های بانک ملی ایران مراجعه فرمائید.

۲۹۷-آ
۵-۳



برای

سرور و دندان درد در دمای زمانه گریب و گریب

هموم افراد قرص نورامون ویرا را بیدار توصیه میکنند.

این تاثیر نورامون ویرا از چیست؟

بواسطه ترکیب شیمیائی مخصوص بخود است که بدون عوارض بعدی بدون ضرر برای قلب در درازن گریب را مرتفع میکند.

مصیبت وارده را بشانواده محترم تسلیت میگویم. هیئت مدیره جمعیت فرهنگی و اجتماعی یهودیان ایران

صاحب امتیاز و مدیر: لقمان صالح

جای اداره - چهار راه مخبرالدوله - جنب قرائتخانه شیروانی

تذکر

بعلت اشکالات فنی در چاپ روزنامه، خصوصاً رسیدن آن به مشترکین محترم بمناسبت دو روز تعطیل جمعه و شنبه، از این پس روزنامه روزهای یکشنبه چاپ و انتشار مییابد.

شکایت قصاصها

بقیه از صفحه ۱

تا بید مطالب این نامه و معرف محکومیت اولیا، امور می باشد اینک متن نامه

اداره محترم روزنامه هریشه بنی آدم

پیر و مقاله ای که در شماره ۱۵ مورخه پنجشنبه ۲۰/۱۰/۱۹۳۰ تحت عنوان «حبرا از تاملین بودجه یک مدرسه هم عاجز است» درج شده بود ما نسبت باین موضوع که درج فرمودید کارکنان روزنامه بنی آدم و همچنین برادران دینی خود، اسرائیلی های مقیم تهران را مستحضر میداریم:

بنا بدعوتی که انجمن سابق از صنف قصاب اسرائیل بعمل آورد قرارداد برای بهبود وضع تحصیلی و سعادت نوباوگان و برادران دینی خود تا تعیین کسر بودجه مدرسه و بخصوص حبران کم بود حقوق معینین مدرسه اتحاد هر کپلو گوشت را ۳ ریال گرانتر از قیمت مقرر شهرداری بپردازان هم کیش خود بفروشیم و مجموع آنرا که بنا به مدارک موجود ماهی در حدود ششصد هزار ریال است بستولین مربوطه تقدیم داریم تا بدینوسیله کسک های بان توجهی به اطفال و برادران و خواهران خود ننوده باشیم.

اینجانبان مدت چند سال وظیفه مهمی را که بعهده مان محول شده بود انجام میدادیم ولی در طی این مدت باین نکته برخوردیم که از جوه مزبور در حدود چهارصد هزار ریال بلکه بیشتر در هر ماه حیف و میل میفود... و مصرف خوشگذرانی عده مقصوم میگردد که اصلاً نام و نشانی از انسانیت و وجدان ندارند باین موضوع بی بردیم که ما وسیله ای هستیم که از حق هزاران یتیم و بیوه زن و هزارها فقیر و گرسنه و مردمان بی خانمان و غریب و بی سرپرست گرفته و بنا کسان بیساریم که بهیچوجه از طرف ملت نیستند و هیچگونه صلاحیتی نداشته و ندارند و قابل این نیستند که طرف اطمینان ملت باشند.

برادران عزیز ما این حق وظیفه شاست که این مقدار هنگفت را که حیف و میل شده و حق یک پک شما است رسیدگی کنید. ما شما را دعوت میکنیم حساب پنج سال بولیکه از شما دریافت شده از انجمن - بخواهید و به بیتد که چگونه صداهزار تومان صرف نشست و برخاست و عیش و عشرت بکنده ناکس شده که شرها باید از طرف جامعه ملت یهود طرد شوند و بسزای جنایات و خلاف کاریهای خود برسند.

باری از آنجائیکه ما از آن ملت هستیم و از سعی ملت ادتراق میکنیم و از آنجائیکه طرفدار ملت عقب افتاده خود هستیم و از جان و دل خواهانیم که اطفال ما و شما از تحصیل علم بهره گیرند موافقت خود را برای هر گونه خدمت از طرف شما اعلام میداریم.

از برادران و خواهران ارجمند تنها داریم که بحساب دزدان و چپاولگران این چندساله برسید و کسان را که مورد توجه و اطمینان خود شما است روی کار آورید تا با توجهات خدای یگانه و برادران گرام بخدمت گزارای مشغول باشیم. و جوه حاصل از مازاد فروش را با و برداریم تا بصرف حقیقی خود برسد. از طرف صنف قصابهای اسرائیل مقیم تهران امیر شرف - خانابا امیر

شرکت چاپ کاو:

با همین تور مسافرت کنید

دولت

این روزنامه «از گان جمعیت فرهنگی و اجتماعی یهودیان ایران» بوده و هیچ دسته دیگری بستگی ندارد

دزدان آراء

بقیه از صفحه ۱
مینماید حقوق جامعه یهود در ردیف املاک و مستملات شخصی او میباشد. این شخص و افرادی نظیر او در جامعه ما عده آنها بسیار قلیل و انگشت شمار است. گمان می برسد هنوز هم مردم در خوابند و با آنان اجازه خواهند داد که در کنج قمارخانه ها سرنوشت اکثریت را بییل خود و بضرر عموم تعیین نمایند. این گروه حق دارند بقتضای منافع شوم خود ادعا نمایند که نماینده تعمیلی دوره گذشته «ضروری نرسانیده است».

مسئله کسی که برای تامین منافع غارتگران اجتماع بجلس رود ضرری متوجه باند حامی خود نخواهد بود. ولی از نظر مردمی که در حال عسرت زندگی میکنند از احاطه منافع پیشه و روان و بازرگانان کم سرمایه و شرافتمندی که دچار بحران اقتصادی و ورشکستگی هستند کسی که با اشغال کرسی نمایندگی نه تنها کمترین قدمی در راه رهایی جامعه از فقر اقتصادی از بحران و بیکاری و ورشکستگی بی نیب دارد بلکه اصرار بی رویه خود و حامیانش وسیله بدست یروان فاشیسم میدهند تا تبلیغات سوئی بر علیه مردم رنج دیده، جامعه ما، نمایند یقیناً سنگین ترین لعنات و خسارات را بر پیکر نحیف جامعه یهود وارد میاورد.

این صحیح است که نماینده گذشته نه تنها ضرری بیاند طرفدار خود؛ آن گروه سودجوی دشمن مردم نرسانید و بلکه منافع آنان را از لحاظ ارز و سهیبه و تسهیلات گوناگون در راه تجارت و رقابت با بازرگانان کم سرمایه و شرافتمندی نیز فراهم آورد ولی برای مردم هادی، برای اکثریت جامعه جز تشدید بدبختی و درمانندگی و افزایش بحران، بیکاری، گرسنگی و فقر سودی عاید ننمود.

اما اینکه حامی نماینده تعمیلی برای تیره دست نشانده خود اظهار داشته است که «اگر آقای ... کلاهی در دوره گذشته انجام نداده است ... موضوعی صحیح نیست. مسلماً وکیل بی موکل دوره گذشته بیکار نشسته است. با استفاده از مصونیت پارلمانی خود سفرهای فراوانی بلندن و پاریس نموده است؛ با فروش شهر خشکی که موهب آن سپری شده و برای بهداشت اطفال بیگناه مضر بوده است جیب خود را انباشته است؛ بروست کار و کسب خود افزوده است. اینها و نظایر آن در زمره کار است ولی نه بفتح مردم نه در راه چاره دردهای جامعه بلکه این اعمال و رویه های سودجویانه تضییقات و معرومیت های جامعه ما را شدیدتر نموده است.

آن گروه ضد ملی که با شعارهای فاشیستی در خیابانها فریاد «مرگ بر یهود» میزند و در روزنامه از گان خود نمفه «اخراج یهودها» را ساز میکند اعمال بی رویه اینگونه افراد را که عده شان بدنه نفرین رسد بهانه تبلیغات سوء خود قرار میدهند. جوچه فاشیست ها که در بی نفاق ندازی بین مردم ساکن این سرزمین می

اخبار انتخابات

بقیه از صفحه ۱
که بایستی از طرف جامعه یهود انتخاب شود دقیقاً تشریح کرد.
دربایان آقای دکتر بینا اضافه نمودند که «من وعده زیادی از جوانان هم پیمان شده ام که تا آخرین قطره خون خود برای فرستادن یک کاندید ملی و دموکرات بجلس، ایستادگی و مقاومت کنیم».

اشند این عده انگشت شمار را بظلمت نوه یهودیان را معرفی میکنند از همان ساده را که از معرومیت اکثریت جامعه یهود بی اطلاع اند. علیه ما می شورانند. جوانان بیدار، مردم آزاده از این پس بظنیلهای اجتماع اجازه نخواهند داد که دور یکدیگر بنشینند و در باره نماینده یهود بین خود قرارداد بکنند. در آخر مگر در جامعه ما دانشمند، طبیب، مهندس، نویسنده، معلم، دانشجو و کارمند و بازرگان شرافتمند وجود ندارد که یکجمله انکل جامعه حق تعیین تکلیف و سرنوشت مردم را منحصر بخود دانند و در کنج قمار خانه ها درباره نماینده آینده تصمیم بگیرند. مردم بیش از این اجازه نخواهند داد به حیثیت و شرافشان توهین کردند و نسبت بدانان تنفر آورترین تحقیرها بعمل آید؛ بفرایز نمایند تعمیلی گذشته فرد دیگری نیز با دلایل مضحکی خود را شایسته نمایندگی یهودیان معرفی نموده است. این فرد مدعی شده است که «چون در مدت سی سال خدمت دولت لیاقت و کاردانی خود را ثابت نموده است» بنا بر این «وظیفه وجدانی تمام همکیشان است» که او را بنمایندگی خود برگزینند، این آقای کویا بجلس شورا را شایسته ای از ادارات دولتی دانسته و گمان برده است که ۳۰ سال سابقه خدمت در یکی از دوائر دولتی موجود لیاقت و شایستگی برای نمایندگی بجلس میباشد.

کسیکه با وجود عضویت در حیرا توانسته است کوچکترین قدمی در راه اصلاح امور اجتماع بردارد اکنون ادعا میکند که «امتحان خود را بجامه داده است» جامعه جز خودخواهی، بزدلی، ترس و معافله کاری و عدم لیاقت چیزی در اینگونه افراد سراغ ندارد. مگر ۳۰ سال حسابداری در وزارت دارایی تنها کافی است برای اینکه شخصی بتواند ادعای دفاع از حقوق جامعه را بنماید. هنوز فراموش نشده است که دو سال پیش همین آقای با عده های از جوانان جامعه، جهت تنظیم اساسنامه ای معرفی برای حیرا و تنظیم وضع آن بطوری که برای جامعه مفید واقع شود و دردی از دردهای ملت را بکاهد، انتخاب گردیدند ولی همین فرد با حیرای سابق سازش نموده و بعضی اینکه بصورت حیرا دعوت گشت و در آنجا راه یافت؛ ایرادات وارده بر حیرا را بکلی از یاد برد. نه تنها کوچکترین قدمی در راه انجام وظیفه کوچکی که بدو محول گشته بود برداشت بلکه بر روی خرابکاریهای حیرا نیز صعه گذاشت و وضع موجود آنرا حفظ نمود.

اکنون این فرد جاه طلب خود را کاندید نموده است که بجلس برود و با دشمنان جامعه بر سر مقام و منزلت سازش خطرناکتری بنماید. این آقایان باید بدانند که مردم این روزها دیگر فریب دروغ ریاکاران و دغلبازان را نخواهند خورد.

رشد عمومی بزرگراهی رسیده است که مردم دشمنان جامعه و سازشکاران را در هر لباس که در آید خواهند شناخت. مردم در انتخابات باه که تمام شرکت خواهند کرد و به کاندیدی که تشخیص دهند و با بفتح ملت قسم بر میدارد رأی خواهند داد.

کف زدن شدید حضار سخنران سوم آقای مهندس اسحق فرمند پور بود.

آقای مهندس در ابتدا حضار یک نماینده حقیقی را تشریح کرده و گفتند و یک نماینده واقعی بایستی فردی باشهامت و لایق، کاردان و دارای تحصیلات و معلومات کافی بوده و سابقه فعالیت اجتماعی داشته باشد و در زندگی پیرو یک منطق صحیح و درست بوده و جز منافع مردم، نفع دیگری در نظر نداشته باشد.

سپس ناطق جزو نامزدهای انتخاباتی دوره هفدهم، نامی از آقای شوئل انور بردند.

نام آقای انور با گرمی و هیجان حضار بصورت کف زدنهای شدیدی استقبال شد.

بعد از ابراز احساسات حضار، آقای مهندس فرمند پور بیوگرافی آقای انور را برای حاضرین تشریح نموده و گفتند «آقای انور زندگی خود را وقف خدمت به اجتماع نموده و در خدمات اجتماعی همیشه پیشقدم بوده اند و تا حال در کارهای مطلوبه های خدمات شایسته ای به جامعه ما نموده خصوصاً در راه مبارزه با فاشیسم و تئوری های پوسیده نژادی مبارزات آقای انور فوق العاده موثر و نمر بخش بوده است».

پس از بیانات آقای مهندس، بنا به تمایل شدید حضار و پیشنهاد ناظم جلسه آقای انور پشت تریبون قرار گرفته و با لحن گیرائی مطالبی اظهار داشتند که مورد توجه حاضرین قرار گرفت.

آقای انور وضع فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و بهداشتی جامعه ما را مورد بحث قرار داده و گفتند «به همت دسته جمعی جوانان بیدار و آگاه جامعه ما، بایستی وضع اسف آفرنده فرهنگی، اقتصادی و بهداشتی ما اصلاح شود».

بایستی سعی نمود عوام برادران اسرائیل ما از حداقل مایحتاج زندگی بر خوردار باشند و مخارج مدارس ملی توسط وزارت فرهنگ تأمین شود. کوی یهودیان که دیر زمانی است احتیاج به اسفالت دارد وسیله شهرداری اسفالت شود و خانه های خراب آن از راه صندوق ملی ترمیم گردد و حیرانی دموکرات برای یهودیان بوجود آید باید از تبلیغات شوم نژادی و تمیضاتی که نسبت بیهودیان در مراجع مختلف بعمل می آید جلوگیری نموده کوشید تا دولتها منشور ملل متفق را که حقوق مساوی برای ساکنین کشور ما قائل شده است اجرا نمایند.

بایستی در اعتلای مقام یهود در نزد سایر هم میهنان کوشش بخرج داد و روابط صمیمانه تری بین یهود و سایر برادران ایرانی ایجاد نمود.
آقای انور در خاتمه بیانات خود گفتند چه در مجلس چه در خارج مجلس تا آخرین نفس در راه مصالح جامعه خود کوشش خواهیم نمود. (کف زدن شدید حضار) پس از بیانات آقای انور حضار تمایل خود را به کاندید نمودن ایشان ابراز نمودند.
سپس پیشنهاد شد برای ادامه کار های انتخاباتی یک هیئت یازده نفری بران دنیا، نمودن فعالیت انتخاباتی بفتح آقای انور انتخاب شود.
پس از اخذ آراء با بلند کردن دست، یازده نفر اعضای هیئت عامله بریاست آقای دکتر عبدالله فضیعی (نخیم الملک) انتخاب و معرفی شدند. در پایان صورت جلسه ای که در زیر متن آن بنظر خوانندگان مهرد با مهابی حاضرین رسید.

از بوسفلیا

لوایق و رای خود نخواهد داد

بچه ها وقت انتخابات است! خیر خواهان «موسی» ناگهان بار کردند باز هم «اخیار» ناگهان یاد ملت افتادند! ایها الناس از زن و از مرد! خاکه زغال خوب آوردیم! چاره درد های بیماری چاره آنکه او بد احوال است با چنین بخشش و سخاوت! ما یعنی ای ملت پریش احوال فکر این فقر و فکر این خواری فکر این خلق بی سر و سامان اینک ای مردمان با ایمان! این زمان چاکر تو هستم من! خاکه زغال خوب آوردم! غیز و این بار نیز همت کن! رای خود را بده بساین بنده من نماینده شما هستم خواستم من ز مجلس شورا درد های ترا دوا کردم آری، آری منم نماینده توی مجلس شوم سرا پا گوش پیشه کردم بدهر! خاموشی من چه با نطق و با سخنرانی! من چه دانم زبان ملت را! من وکالت برای این خواهم تا کنم من زیاد تروت خود

وه در مکر و خیله استادی برو ای ناریق بی فرهنگ! دیگر امروز خلق بیدار است
«گر تضرع کنی و کر فریاد! «او بتو رای خود نخواهد داد!»

میدول داشته و بفتح ایشان رای دهند. ضمناً به یازده نفر اعضای هیئت عامله منتخب در جلسه ماموریت داده میشود که برای حسن جریان انتخابات بنحو شایسته ای فعالیت نمایند.

بقرار اطلاعیکه بدست آمده دکتر برال پس از ورود از لندن فعالیت انتخاباتی خود را برای دوره ۱۷ شروع کرده است بدین ترتیب که چند شب قبل عده ای از طرفداران خود را بشام در منزل خویش دعوت نمود ضمن بحث در مورد انتخابات یهودیان ایران اظهار داشته است که موفقیت من در این دوره حتی است محتاج به فعالیت بیشتری نیستم - یکی از مدهوین هم گفته اند اگر در ظرف این دوره آقای دکتر خدمتی نکرده اند لااقل عمل بدی بدی هم انجام نداده اند.

بقرار اطلاع واصل در مجلس سوگواری که بمناسبت فوت دکتر لقمان نهبوری تشکیل شده بود یکی از شرکت کنندگان پیشنهاد مینماید که خوبست لا براتوار دبیرستان اتحاد بنام مرحوم نامبرده اسم گذاری شود.

آقای دکتر برال از این پیشنهاد سخت بر آشفته ضمن اعتراض شدید ادعا کرده اند که بودجه لا براتوار را (که جز یک قسه و چند شیشه خالی مفهومی ندارد) خود ایشان برداشته اند و بنا بر این جا دارد بنام ایشان موسوم گردد گویا این دعوا بر اثر وساطت بعضی ها بارو بوسی خاتمه پذیرفته است.

۱۹۴۵
۱۱۰
۱۹۴۲